

سر مقاله

# جهان دیگری بسازیم

سال گذشته، سالی پر برکت برای ایران اسلامی و جهان بود. در ایران شگفتی‌های علمی بسیاری به‌ویژه در زمینه نانو فناوری، رادیو داروها، علوم فضایی و ماهواره‌ای، انرژی هسته‌ای و... آفریده شد. در زمینه امور سیاسی، جریان‌های معاند و خود فروخته رسوا شدند و سربازان گمنام امام زمان(ع)، با دقت تمام شبکه‌های مخوف مجازی و اجتماعی وابسته به این جریان‌ها را شناسایی و سردمداران آنان را به جامعه معرفی کردند.

در این منطقه و در جهان، تنش‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی دیده شد. در قاره‌های آمریکا و اروپا جریان‌های «وال استریت» و «۹۹درصدی‌ها» و ورشکستگی بسیاری از بانک‌ها و مراکز اقتصادی این دو قاره خودنمایی کرد و مردم خسته از اندیشه‌های مادی و ناکارآمد سرمایه‌داری مقاومت‌های بسیاری کردند. آمریکای لاتین به استقلال خود و تجدید حیات بومی و فرهنگی‌اش پرداخت و دیگر بستری برای توطئه‌های رنگارنگ وابستگان به انقلاب‌های رنگی نبود. و در مقابل آن‌ها ایستاد. آفریقا باز هم سر به شورش گذاشت و در مقابل حاکمان دیکتاتوری چون بن‌علی و حسنی مبارک قد علم کرد و آنان را سرنگون ساخت. رژیم اشغالگر قدس با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد و دیگر آن رژیم مخوف، پشتیبان و حامی آمریکای جهان‌خوار محسوب نمی‌شد.

همه این‌ها در سایه این امر اتفاق افتاد که مردم جهان هوشیار شده و به فطرت پاک الهی‌شان بازگشت کرده‌اند. در ایران همچنین موفقیت‌های بزرگی همچون برگزاری «کنفرانس سران جنبش غیرمتمعه‌ها» نصیب ما شد که با سخنرانی بسیار مهم مقام معظم رهبری، فصلی نو را در مدیریت جهان گشود. به لحاظ فرهنگی نیز موفقیت‌های بسیاری به‌دست آمد که از آن جمله می‌توان اجرای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» را نام برد. اما سؤال این است که سهم ما و آموزش و پرورش در این میان چیست؟

برای پاسخ به این سؤال مهم بهترین گزینه، پیام‌ها و سخنان مقام معظم رهبری است که هر از چند گاهی ارائه می‌شود. تدبیر اجرایی و تحقق فرمان‌ها، خواست‌ها و مطالبات ایشان که همانا مطالبات الهی است، مهم‌ترین وظیفه و سهم ما در این پیشرفت‌های اساسی است. نظام آموزش و پرورش براساس اندیشه‌های اسلامی در حال شکل‌گیری است متفکران بسیاری بدان پرداخته‌اند، «طرح ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش» که تصویب و به اجرا گذاشته شده است بر بنیاد فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران یعنی همان فلسفه الهی، فلسفه خودی تولید شده است. از این رو انتظار این است که این اسناد به درستی به اجرا درآید. اگر این امر متحقق شود یقیناً تحول بزرگی به‌وجود می‌آید.

نکنه دیگر، ظرفیت‌های بزرگی است که در جهان امروز در امر آموزش و پرورش وجود دارد و ما از آن غافلیم. تعاریفی که از آموزش و پرورش ارائه شده‌اند، همه بر بنیان‌های مادی هستند. اما ما مدعی هستیم که آموزش و پرورش مبتنی بر اندیشه و فلسفه اسلامی را شکل داده‌ایم. اگر چنین است، اسلام به ایران محدود نیست و همه جهان نیازمند این اندیشه‌اند. به‌ویژه قاره مسلمان آفریقا به این اندیشه بیش از موارد دیگر نیازمند است. سرمایه‌گذاری در کشورهای مسلمان آفریقایی و انتقال فرهنگ اسلامی بدان، اولویتی است که امروز ایران انقلابی بدان نیازمند است، نیازی که تنها با مشارکت جهانی قابل تحقق است.

وظیفه مهم دیگر ما، پیوستن به اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی اسلامی است. لازمه این پیوستگی برخوردار بودن از جامعه‌پذیری خاصی است که اسلام آن‌ها را مطرح می‌کند. اجتماعی شدن از منظر ما به معنای پذیرش اصول ثابت و پایدار اجتماعی اسلام و پذیرش تغییرات به مقتضای آن و شرایط زمان است. شاید مهم‌ترین تغییری که لازم است در سطح جهان اتفاق بیفتد، شکل‌گیری «جهانی بدون صهیونیسم» است تا بشر بتواند با نگاه و رویکردی غیرمادی و رها از منفعت‌طلبی‌های مستکبران از خدا بی‌خبر به هستی بنگرد و ساز و کارهایی ایجاد کند که رفاه مادی و معنوی همه انسان‌ها فراهم آید. لازمه تحقق این امر محو اسرائیل غاصب و اندیشه‌های صهیونیستی است که بر سراسر گیتی متأسفانه حاکمیتی ظالمانه یافته است. با اندیشه‌های سرمایه‌داری که برخاسته از افکار بیمار صهیونیستی است، نمی‌توان آینده روشنی برای دهکده جهانی ترسیم کرد و جهان همچنان به کژراهه خواهد رفت. از این روی اجتماعی شدن بر مبنای اندیشه‌های الهی ضرورتی است که جهان امروز ما بدان به شدت نیاز دارد. به گمان ما تنها راه رسیدن به این مطلب انتخاب راه و روش تربیت دینی بر مبنای آموزه‌های فطری و الهی است. راهی که سرانجام آن دست یافتن به مدینه فاضله‌ای است که قرن‌ها مسلمانان و همه آزاداندیشان آرزوی آن را داشته‌اند. این امر جز با تحول در بنیان‌های اجتماعی کنونی در جهت آموزه‌های اسلامی ممکن نیست، امروز عده‌ای اندیشمند غربی با برنامه‌ریزی‌های خود، دنیا را به سمتی برده‌اند که همه گمان کنند، همه چیز نسبی است و هر تغییری مجاز است. باید تجربه کرد اگر نتیجه مثبت بود که فيها المراد و اگر نتیجه منفی بود، که «اصلاح» خواهد شد. معنای این مفهوم سردرگمی همه انسان‌ها و افتادن در دام «پوچ‌گرایی» و نسبیت اجتماعی است.

اما اسلام انسانی را می‌خواهد که هویت محکم، پایدار و پویا داشته باشد، ریشه داشته باشد هویت، تکیه‌گاه ارزشی انسان است و او باید با اطمینان بدانند راه به کدام سو دارد و در مسیر همان مطلوب فطری خود گام بردارد. **سرمدبیر**